

بررسی تطبیقی مفهوم «دابة الارض» و اشارات آخرالزمانی آن در تفاسیر «روض الجنان و روح الجنان» و «الکشاف»*

ناصر کاظم خانلو^۱

میترا بهرامی^۲

شهریار شادیگو^۳

چکیده

از جمله مطالب سربسته و مرموزی که در قرآن کریم به آن اشاره شده است خروج جنبه‌ای به نام «دابة الارض» از دل زمین است که با مردم سخن می‌گوید. «دابة» به معنای «جنبنده»، شامل هر نوع جنبنده‌ای اعم از انسان و غیر از انسان می‌شود. قرآن کریم گاهی این واژه را تنها و گاهی در سیاق کلمه‌ای دیگر همانند «الارض»؛ به صورت «دابة من الارض» یاد نموده است و آن را جنبنده‌ای معرفی می‌کند که در آستانه رستاخیز در زمین ظاهر می‌شود و با مردم سخن می‌گوید. اما قرآن کریم هیچ اشاره‌ای به تعیین مصداق و مفهوم «دابة الارض» نمی‌کند. از این رو ضرورت دارد تا دیدگاه‌های مفسران در تعیین مصداق این واژه مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. این پژوهش به دنبال آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی دیدگاه مفسران در تفاسیر «روض الجنان» و «الکشاف» را در مورد بیان مفهوم و مصداق «دابة الارض» مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه این دو تفسیر در مورد «دابة الارض» اختلاف زیادی دارند. اما در مورد چند نکته دیدگاه‌های مشترکی دارند: الف) «دابة الارض» موجودی جاندار و جنبنده‌ای غیرعادی از غیر جنس انسان است که در آخرالزمان خروج می‌کند؛ ب) خروج «دابة الارض» از نشانه‌های قیامت است. ج) محل خروج او مسجدالحرام، کوه صفا و... است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵

۱. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (kazemkhanloo@cfu.ac.ir).

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، ایران (mitra.bahrami@kums.ac.ir).

۳. استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران (نویسنده مسئول) (sh.shadigo@cfu.ac.ir).

مقدمه

در سوره مبارکه نمل آیات خارق العاده گوناگونی به چشم می خورد که اذهان مردم را به تحیر وامی دارد، از جمله سخن مورچه و هدهد با حضرت سلیمان، احضار ملکه سبا در کمتر از یک چشم بر هم زدن در ملک سلیمان، خوردن عصای حضرت سلیمان توسط موریانه که پرده از مرگ ایشان برداشت و خروج جنبده ای مبهم از زمین با نام «دابة الأرض» که با مخاطبان خویش تکلم می کند و ایشان را انذار می دهد. این موجود از طرف خدا و حامل پیام الهی است. ابلاغ این پیام با تکلم، مأموریت اصلی این موجود است تا مردم را از خواب غفلت بیدار کند. آیه ۸۲ سوره نمل عبارت است از:

﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ (نمل: ۸۲)؛

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلم می کند (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند.

مفسران در تفسیر آیه مذکور و به ویژه در تعیین ماهیت و مصداق «دابة الارض» همواره اختلاف نظر داشته اند و نظریات متفاوت و گاه متضادی برای آن ذکر نموده اند. برخی از این روایت ها حضرت علی علیه السلام و یا دیگر ائمه را به عنوان مصداق این آیه معرفی می کنند؛ در حالی که برخی دیگر از این روایت ها؛ موجودی عجیب و غریب را به عنوان مصداق این آیه معرفی می کنند.

در این پژوهش به بررسی این نظریات در دو کتاب تفسیری *روض الجنان و روح الجنان* و *الکشاف* و نکات اشتراک و اختلاف آنها خواهیم پرداخت.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است:

۱. معنای لغوی و اصطلاحی واژه «دابة الارض» چیست؟
۲. دو کتاب تفسیری *روض الجنان و روح الجنان* و *الکشاف* چه دیدگاهی راجع به این مفهوم دارند؟
۳. این دو کتب تفسیری در تبیین واژه «دابة الارض» چه اختلافات و چه اشتراکاتی

دارند؟

هدف پژوهش

تبیین موارد شباهت و اختلاف دو کتب تفسیری *روح الجنان و روح الجنان و الکشاف* در خصوص آیه ۸۲ سوره نمل و موضوع «دابة الارض» هدف اصلی این پژوهش است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

تحلیل و بررسی نظریات مفسرین در موضوعات خاصی همچون «دابة الارض» و تطبیق این نظریات با یکدیگر موجب شناخت و درک بیشتری از آن موضوع خواهد شد و نیاز همیشه جامعه اسلامی است.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی کوشیده است به بررسی موضوع «دابة الارض» در دو کتب تفسیری *روح الجنان و روح الجنان و الکشاف* بپردازد. گردآوری داده‌ها در این جستار از طریق فعالیت کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه موضوع «دابة الارض» به آثار متعددی برخورد می‌کنیم که هر کدام این موضوع را از جنبه‌های خاصی مورد توجه قرار داده‌اند. به برخی از آنها اشاره می‌شود: زاهدی فرو و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی و نقد روایات اهل سنت درباره دابة الارض» روایت‌های وارده در مورد دابة الارض را در سه بخش؛ زمان خروج دابه، مکان خروج و دوران ظهور دابة تنظیم نموده‌اند و با بررسی روایات اهل سنت در این موضوع به این نتیجه رسیده‌اند که تمامی اسناد این دسته از روایات به جز یک طریق - که به بررسی آن می‌پردازند - ضعیف هستند.

نیری و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «تفسیر تطبیقی دابة الارض در آیه ۸۲ نمل و ارتباط آن با رجعت» ارتباط این آیه با موضوع رجعت را بررسی کرده‌اند. نقی‌زاده و موسوی‌نیا (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی مصداق دابة الارض در روایات فریقین» به بررسی مصداق دابة الارض در فریقین پرداخته‌اند.

مباحث نظری

۱. سوره نمل

سوره «نمل» یکی از سوره‌های مکی است که در شهر مکه نازل شده است. این سوره در قرآن کریم پس از سوره شعراء قرار دارد. محتوای این سوره همانند دیگر سوره‌های مکی بیشتر بر مسائل اعتقادی از قبیل؛ مبدا حیات، چگونگی معاد، اصالت وحی، حقانیت قرآن و نشانه‌های خداوند در عالم آفرینش دلالت دارد. این سوره همچنین بخش قابل ملاحظه‌ای از سرگذشت زندگی پنج پیامبر بزرگ الهی و مبارزات آنها با اقوام‌شان را بیان می‌کند تا برای مؤمنانی که در آن روزگار در مکه در اقلیت شدید قرار داشتند، مایه امید و دلجویی باشد و برای مشرکان هشدار می‌باشد تا سرانجام کار خویش را در آینده تاریخ گذشتگان ببینند و عبرت کنند و ایمان بیاورند.

یکی از امتیازات این سوره بیان داستان «حضرت سلیمان» و «ملکه سبأ»، چگونگی ایمان آوردن او به خداوند و سخن گفتن پرندگانی همچون هدهد با حضرت سلیمان است.

در همین سوره گفتگوی یکی از مورچه‌ها با هم‌نوعان خود ذکر شده است که مبنای نام‌گذاری این سوره به نام سوره نمل؛ یعنی «مورچه» قرار گرفته است. در برخی از روایات این سوره را سوره سلیمان نیز نامیده‌اند.

۲. معنای لغوی و اصطلاحی «دَابَّة»

«دابه» در اصل از ریشه «دب» به معنای؛ راه رفتن آرام و حرکت خفیف است و بیشتر در حشرات و حیوانات به کار می‌رود (اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۷۱). اما در قرآن کریم؛ در آیه «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ» (نور: ۴۵) بر تمامی جنبندگان؛ اعم از انسان و حیوان به کار رفته است.

جمع این کلمه در قرآن کریم به صورت «دواب» آمده است که اشاره به انسان کافر دارد. در آیات زیر می‌توان با این نوع کاربرد برخورد نمود: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال: ۲۲) «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» (انفال: ۵۵).

گاهی مراد از آن غیر از انسان و غیر از چهارپایان است. چنان‌که در قرآن کریم درباره

تمام جنبندگان اعم از انسان، حیوان و غیره به کار رفته است. در آیه زیر می توان این نوع کاربرد را دریافت: ﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ﴾ (فاطر: ۲۸).

در کتاب قاموس قرآن در ذیل این آیه آمده است: «الدَّبُّ و الدَّيْبُ یعنی آرام راه رفتن، که درباره حیوانات و حشرات بیشتر به کار می رود و در حرکت نفوذی آرام آب و رطوبت و نوشیدنی و مانند اینها که حرکت شان را حواس درک نمی کند به کار می رود. هر چند که عرف مردم فقط اسب را «دَابَّة» گویند» (قاموس قرآن، ج ۲، ۳۲۳).

درباره واژه «دابه» که در آیه ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ (نمل: ۸۲) آمده است؛ سخن بسیاری گفته شده است و آن را از شرایط و علامات قیامت و از مقدمات آن می دانند. قرشی به نقل از تفسیر المیزان می گوید:

در کلام خدا چیزی که بیان و تفسیر این آیه باشد پیدا نیست، و آن کدام است! و چه صفت دارد! و کی خارج می شود! و چه سخن می گوید! بلکه سیاق آیه بهترین دلیل است که قصد از آن مبهم گوئی است و آن کلامی است مرموز (قرشی، ۱۳۷۱: ۴۱۲).

در آیه ﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ﴾ (نحل: ۶۱)، و آیه ۴۵ سوره فاطر که مضمونی شبیه با این آیه دارد، مفهوم هر دو آیه آن است؛ که اگر خداوند می خواست مردم را با اعمال بد آنها مؤاخذه کند؛ هیچ جنبنده ای در روی زمین باقی نمی ماند. منظور از «دابه» در این آیه، انسان های مجرم و کافر هستند. زیرا در غیر این صورت دو اشکال بر این آیه وارد می شد. اشکال اول در مورد پیامبران و معصومین است که آنها ظالم نیستند پس در روی زمین باقی می ماند. که در این صورت بر حکم کلی آیه «مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ» خدشه وارد می شود. و اشکال دوم آن است که اگر «دابه» شامل موجوداتی غیر از انسان باشد آنها چه تقصیری دارند که در اثر عقوبت انسان ها؛ آنها هم از بین بروند.

۳. واژه «دابه» در آیات قرآن کریم

واژه «دابه» چهارده بار در قرآن کریم به کار رفته است. آیاتی که واژه «دابه» در آن به کار رفته است عبارتند از:

۱. ﴿وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ (نمل: ۸۳)؛

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنان تکلم می کند (و می گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند.

۲. ﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَ تَبَيَّنَتِ الْجُنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ (سبأ: ۱۴)؛

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [موریانه] که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)؛ هنگامی که بر زمین افتاد جثیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند.

۳. ﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (هود: ۵۶)؛

من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده ام! هیچ جنبنده ای نیست مگر این که او بر آن تسلط دارد؛ (اما سلطه ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است!

۴. ﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (نور: ۴۵)؛

ترجمه: و خداوند هر جنبنده ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست!

۵. ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (انعام: ۳۸)؛

هیچ جنبنده ای در زمین، و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر این که امت هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند.

۶. ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (بقره: ۱۶۴)؛

در آفرینش آسمان ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند!

۷. ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾ (لقمان: ۱۰)؛
(او) آسمان ها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوه هایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبنده ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و به وسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت های گیاهان پر ارزش رویاندیم.

۸. ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ (نحل: ۴۹)؛

(نه تنها سایه ها، بلکه) تمام آنچه در آسمان ها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می کنند و تکبر نمی ورزند.

۹. ﴿وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (هود: ۶)؛

هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! [در لوح محفوظ، در کتاب علم خدا].

۱۰. ﴿وَلَوْ يَؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهِمْ مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ (نحل: ۶۱)؛

و اگر خداوند مردم را به خاطر ظلم شان مجازات می کرد، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نمی گذارد؛ ولی آنها را تا زمان معینی به تأخیر می اندازد. و هنگامی که اجل شان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می کنند، و نه ساعتی پیشی می گیرند.

۱۱. ﴿وَلَوْ يَؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهِمْ مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾ (فاطر: ۴۵)؛

اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده اند مجازات کند، جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معینی تأخیر می اندازد (و مهلت اصلاح می دهد) اما هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر

کس را به مقتضای عملش جزا می دهد) او نسبت به بندگانش بیناست (و از اعمال و نیات همه آگاه است).

۱۲. ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾ (شوری: ۲۹)؛

و از آیات اوست آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر نموده؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع آنها تواناست!

۱۳. ﴿وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (جاثیه: ۴)؛
و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه هایی است برای جمعیتی که اهل یقینند.

۱۴. ﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (عنکبوت: ۶۰)؛

ترجمه: چه بسا جنبنده ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می دهد؛ و او شنوا و داناست.

۴. واژه «دابة الارض» در آیات قرآن کریم

واژه «دابة الارض» دوبار و در دو آیه از قرآن آمده است. یک بار در آیه ۸۲ سوره نمل که موضوع پژوهش حاضر است و بار دیگر در آیه ۱۴ سوره سبأ که عبارت است از:

﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّكُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةٌ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجُنُودُ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ (سبأ: ۱۴)؛

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [موریانه] که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)؛ هنگامی که بر زمین افتاد جثیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند.

معنای «دابة الارض» در این آیه به موریانه اشاره دارد و بحث پیچیده و مهم دیگری در آن نیست.

اما آیه ۸۲ سوره نمل این مطلب به را نشان می دهد که در زمان قیامت و یا به هنگام «اشراط الساعة» موجودی از زمین خارج می شود که با مردم سخن می گوید. در مورد این که این موجود؛ چیزی به غیر از موجودات زمینی است! و یا این که انسان هست! و یا این که یک نوع پرنده و حیوان است! همواره مورد اختلاف مفسران بوده است.

این که چرا مفسرین راجع به این آیه اختلاف نظر دارند بایستی گفت که به دو دلیل این امر عارض می‌گردد:

اول این که روایات تفسیری که آن مفسرین استفاده نموده‌اند از نظر درجه اعتبار و وثوق متفاوت می‌باشند.

دوم این که روش تفسیری آنها با هم فرق می‌کند. برخی با استفاده از روش قرآن به قرآن و برخی با استفاده از روش روایی و برخی از روش اجتهادی و عقلی در این زمینه بهره برده‌اند.

بحث و بررسی

۱. واژه پژوهی «دابة الارض»

توجه به حوزه معنایی یک واژه به عنوان واژه پژوهی از اهمیت بسیاری در پژوهش‌های ادبی و قرآنی برخوردار است. از این و با توجه به حوزه معنایی واژه‌های آیه مورد بحث، می‌توان یک تحلیل علمی از آن به دست آورد که با سیاق آیه مطابقت داشته باشد. شاید در نگاه اول عدول از معنای ظاهر به نظر برسد، اما بر اساس وجوه معانی واژه‌ها، قابل تبیین است.

با تأملی در وجوه معانی دابه در دو تفسیر «روح الجنان و روح الجنان» و «الکشاف»، یک وجه مشترک بین آن دو می‌توان جست. دابه، اعم از انسان، حیوان و یا کواکب، یک جنبنده است و این جنبنده می‌تواند هر چیزی که دارای حرکت است، باشد. با توجه به برداشت تفسیری در آیه مورد نظر و واژه پژوهی از دابة الارض، می‌توان این مشخصات را در دو تفسیر مورد نظر برای آن در نظر گرفت:

۱. پدیدار شدن آن در زمان مشخص است.

۲. نشانه‌ای خارق‌العاده از نشانه‌های الهی است و جدای از آیات آفاقی و انفسی

می‌باشد.

۳. از جنس عالم ماده است و حرکات آن نامحسوس است.

۴. حامل پیام الهی است.

با واژه پژوهی در آیه ۸۲ سوره نمل، معانی برگزیده برای واژه‌های کلیدی آن از این قرار

است:

خروج = پدیدار شدن

دابه = رونده نامحسوس

الارض = مادیات

تُكَلِّم = سخن گفتن به گونه حیرت آور.

در ضمن با استفاده از روایات می توان به این نتیجه رسید که وقوع آن در عصر ظهور است.

۲. ماهیت دابة الارض

در تفسیر ابوالفتوح رازی، دابة الارض با شکل و شمایلی افسانه ای آمده است: اما حدیث «دابة الارض» و اخباری که آمد در این معنی: ابن جریج در صفت دابة الارض گفت: سرش به سرگاو ماند و چشمش با چشم خوک و گوش با گوش پیل، و سروش با سر (وی) بز کوهی، و گردنش با گردن شتر مرغ، و سینه اش با سینه شیر، و رنگش به رنگ پلنگ و تهی گاهش چنان که گربه، و دنبالش چون دنبال کبش، و پایش چون پای شتر ماند، و از میان هر بند گشایی دوازده گز باشد به گز آدم، و میان سروهایش يك فرسنگ باشد. و در خبری دیگر آمد که: بر شکل مرغی باشد، پر و بال دارد و چهار پای دارد، و الله اعلم بصحته (رازی، ۱۳۷۴: ج ۵، ۷۰).

در تفسیر الکشاف با توجه به روایات وارد شده در مورد دابة الارض آن را موجودی معرفی می کند که دارای چهار پا و دو بال است و دارای مو و پشم است:

و روی: لها أربع قوائم وزغب و ریش و جناحان. و عن ابن جریج فی وصفها: رأس ثور، و عین خنزیر، و أذن فیل، و قرن إبل، و عنق نعامة، و صدر أسد، و لون نمر، و خاصرة هرة، و ذنب كبش، و خف بعیر. و ما بین المفضلین: اثنا عشر ذراعاً بذراع آدم علیه السلام. و روی: لا تخرج إلا رأسها، و رأسها يبلغ أعنان السماء أو يبلغ السحاب (بخاری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۳۸۳).

۳. نحوه پدیدار شدن آن

در تفسیر ابوالفتوح رازی، مطالب بسیاری درباره نحوه خروج دابة الارض آمده است. در جایی می نویسد:

و اخباری که پس از این بیاید به صواب قریب تر است، برای آن که صحابه معروف روایت می کنند از رسول ﷺ عبیدالله بن عمیر الیثی روایت کرد از ابوسرحه الانصاری که رسول ﷺ گفت: این دابة الارض را سه خروج باشد: یکی بار برون آید

به اقصی الیمن، خبر او در بادیه فاش شود و لکن به مکه نرسد خبر او. چون مدتی دراز بر این برآید يك بار دیگر برون آید، خبر او در بادیه آشکارا شود و در مکه نیز خبر باشد از او. آنکه يك روز مردمان در مکه در مسجدالحرام باشند، او از ناحیت مسجد برون آید، زیادت می شود و نزدیک می درآید از میان حجرالاسود و در بنی مخزوم پدید آید، مردم از او بترسند و بگریزند و جماعتی که دانند که از خدای نتوان گریخت، به پیش او شوند و روی های ایشان روشن شود چون ستاره درخشان، آنکه روی در زمین نهند، هیچ طالب او را درنیابد و هیچ هارب از او فایت نشود، تا به جای هایی که او برسد. آن کس که دشمن او باشد از او بترسد، از ترس او پناه با نماز دهد و نماید که نماز می کنم، او از پشت او درآید و گوید: یا فلان، اکنون نماز می کنی؟ او روی به او گرداند، او داغی بر روی او نهد، با مردمان مجاورت کند در سرای های شان و مصاحبت کند در سفرها و مشارکت در مال هایشان. مؤمن را از کافر بشناسد، و کافر را از مؤمن. این را گوید: یا مؤمن و آن را گوید: (یا) کافر (رازی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ۷۱).

در ادامه می آورد:

حذیفة الیمان روایت کرد از رسول ﷺ که او گفت: « دابة الارض بیست گز بالای او باشد و... عبدالله عمر گفت: دابة الارض شب جمع برون آید، یعنی شب عید که حاجیان از مکه به منا شوند و مردم از پیش او و پس او می روند، هیچ منافق نباشد والا او مهار در بینی اش کند و هیچ مؤمن نباشد و الا اکرامش کند (همان).

در ادامه از قول حضرت علی علیه السلام آمده است که دابة الارض ریش دارد و دم و پرو پشم ندارد (همان).

یا این که از قول رسول ﷺ آورده است که دابة الارض از مسجدالحرام خروج می کند و خانه خدا را طواف می کند و زمین در زیر گام هایش می لرزد و بر چهره مؤمن، مهر می زند و چهره مؤمن نورانی می شود و چون بر چهره کافر مهر بزند، روی کافر سیاه می شود (همان).

همچنین از قول عبدالله عمر گفته است :

دابة الارض از شکافی درون کوه صفا در طی سه روز بیرون می آید در حالیکه فقط يك سوم او بیرون آمده است و طولش بسیار زیاد است که سرش به ابرها می رسد (همان).

حسن بصری گفته است چون حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند خواست که دابة الارض را به او بنمایاند، سه شبانه روز از کوه بیرون می آمد و چنان هیبتی داشت که حضرت موسی از خداوند خواست که او را به جای خود برگرداند (همان).

و نیز از ابوسراحة الانصاری نقل می کند که دابه سه بار خروج می کند: یکبار به اقصای مدینه، سپس بعد از زمانی طولانی از مکه برمی خیزد و بار سوم هنگامی که مردم در مسجد الحرام به طواف مشغولند از میان رکن اسود و باب بنی مخزوم بیرون می آید (همان: ۷۳).

در این کتاب آمده که عبد الله عمر گفته است که از شکافی که درون کوه صفاست خارج می شود و پس از گذشت سه روز هم چنان بیش از یک سوم بدنش بیرون نیامده است و هنگامی که کامل بیرون بیاید، سر او به ابرها می رسد (همان).

در مورد خروج دابه در تفسیر الکشاف آمده است که دابه دارای سه خروج است: اول خروج در بعضی از بیابان ها و پس از آن مکث خواهد نمود؛ دوم در بعضی از قریه ها حتی این که (نام آن را) ذکر می کنند و پادشاهان در آن قریه ها خون ها می ریزند، آن گاه متوقف خواهد شد؛ سوم در بزرگ ترین مسجد که راوی می گوید: گمان کردیم که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می خواهد نام مسجد الحرام را ببرد ولی نام آن را نبرد.

و عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أنه سئل: من أين تخرج الدابة؟ فقال «من أعظم المساجد حرمة على الله» يعني المسجد الحرام. و روى: أنها تخرج ثلاث خرجات: تخرج بأقصى اليمن ثم تتكمن، ثم تخرج بالبادية ثم تتكمن دهرًا طويلاً، فبينما الناس في أعظم المساجد حرمة و أكرمها على الله، فما يهولهم إلا خروجها من بين الركن حذاء دار بني مخزوم عن يمين الخارج من المسجد، فقوم يهربون و قوم يقفون نظارة. و قيل: تخرج من الصفا فتكلمهم بالعربية بلسان ذلق فتقول أُنَّ النَّاسَ كَانُوا بِأَيَاتِنَا لَا يوقِنُونَ يعني أن الناس كانوا لا يوقنون بخروجي، لأن خروجها من الآيات، و تقول: أَلَا لعنة الله على الظالمين.

دابه به قصد زمین حرکت خواهد نمود و مردم فراری می شوند جز يك عده ای از مسلمین که می گویند: چیزی ما را از امر خدا نجات نمی دهد، آن گاه آن دابه خروج می نماید و صورت مسلمین چون ستاره درخشنده خواهد شد بعداً آن دابه حرکت می کند و هیچ طالبی آن را درك نمی کند و هیچ فراری از دست آن فرار نتوان کرد. پس قومی فرار می کنند و قومی نظاره گر آن می شوند و گفته شده که از محل صفا خارج می شود و با مردم به زبان عربی روشن صحبت می کند و می گوید «أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِأَيَاتِنَا لَا

یوقُتُون» یعنی مردم به خروج من یقین ندارند زیرا خروج او از جمله آیات پروردگار است و "دابه" می گوید: لعنت خدا باد برگروه ظالمان.

در این تفسیر همچنین روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده است که: «و عن الحسن علیه السلام: لا يتم خروجها إلا بعد ثلاثة أيام. و عن علی علیه السلام: أنها تخرج ثلاثة أيام، و الناس ينظرون فلا يخرج إلا ثلثها». خروج دابه از زمین بعد از سه روز کامل می گردد. و از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که دابه در طول سه روز از زمین خارج می گردد و مردم به آن می نگرند در حالی که یک سوم آن خارج نشده است. سپس به طرف مغرب برمی گردد و صدای بلندی دارد و سپس به سمت مشرق برمی گردد.

دابة الارض در حالی که عصای موسی و خاتم سلیمان را به همراه دارد خارج می شود و کافر را مهر می زند، عفان گفت: روی بینی کافر با مهر علامت می گذارد و با عصا صورت مؤمن را جلا می بخشد، به گونه ای که افرادی که روی یک سفره جمع می شوند، می گویند: ای مؤمن! دیگری می گوید: ای کافر! (مؤمن از کافر باز شناخته می شود سپس به انسان ها می گوید: ای فلان تو از اهل بهشت هستی و ای فلان تو از اهل جهنم هستی.

فتخرج الدابة من الصفا و معها عصا موسى و خاتم سليمان، فتضرب المؤمن في مسجده، أو فيما بين عينيه بعصا موسى علیه السلام، فتنتك نكتة بيضاء فتفشو تلك النكتة في وجهه حتى يضيء لها وجهه أو فتترك وجهه كأنه كوكب دُرّی، و تكتب بين عينيه: مؤمن: و تنكت الكافر بالخاتم في أنفه، فتفشو النكتة حتى يسود لها وجهه و تكتب بين عينيه: كافر. و روی: فتجلو وجه المؤمن بالعصا و تحطم أنف الكافر بالخاتم، ثم تقول لهم: يا فلان، أنت من أهل الجنة. و يا فلان، أنت من أهل النار (بخشیر، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۳۸۴-۳۸۵).

۴. منظور از دابة الارض

ابوالفتوح رازی در کتاب خود روض الجنان اذعان داشتند که اصحاب ما - که به احتمال زیاد منظور علمای شیعه دوران خود باشند - دابة الارض را کنایه از امام زمان علیه السلام می دانند (رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۵، ۷۵). البته هیچ استنادی به هیچ روایتی نکرده اند. در تفسیر کشاف بر حیوان عجیب و غریب بودن «دابة الارض» تاکید می شود. در تفسیر الکشاف در ذیل این آیه آمده است که:

سمى معنى القول و مؤداه بالقول، و هو ما وعدوا من قيام الساعة و العذاب، و وقوعه: حصوله. و المراد: مشاركة الساعة و ظهور أشراتها و حين لا تنفع التوبة. و دابة الأرض:

المجساسة. جاء في الحديث: أنَّ طولها ستون ذراعاً، لا يدركها طالب، ولا يفوتها هارب (زمخشری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۳۸۴).

معنای قول همان قیام ساعت و عذاب مشرکان است که وعده آن در قرآن داده شده است. و وقوع قول همان حصول آن است. «دابة الارض» نیز همان جساسه است که در حدیث آمده است که طول آن شصت ذراع می باشد که هیچ کسی نمی تواند به او برسد و کسی از دست او توان فرار ندارد.

در این جا این سوال مطرح می شود که چرا خدا حقیقت این چهارپا را بیان نکرده و مردم را در هاله ای از ابهام و سرگشتگی رها کرده، تا آن جا که در این باره سخنانی گفته اند که از نادانی و گمان آنان نشئت گرفته است.

از نگاه زمخشری هدف از آوردن این واژه [در آیه] تنها بدنام کردن کافران است و این که آنان در قیامت به گونه ای محشور می شوند که در پیش چشمان مردمان، خوار و رسوا باشند و این هدف، فقط با اشاره به آن چهارپا حاصل می شود، هرچند نام و حقیقت آن مشخص نباشد. این آیه همانند آیه ۱۰۶ از سوره آل عمران است: آن روز که گروهی سفیدرو و گروهی سیاه رو شوند (زمخشری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۷۳).

۵. وجوه اشتراک تفاسیر «روض الجنان و روح الجنان» و «الکشاف»

هر دو مفسر از روش روایی در خصوص تبیین این آیه استفاده نموده اند و کوشیده اند با ذکر روایاتی مصداق و مفهوم دابة الارض را روشن کنند.

به طور کل آنچه مؤلفین «روض الجنان و روح الجنان» و «الکشاف» روی آن اجماع دارند و می توان به عنوان مسلمات و بدیهیات آیه در نظر گرفت، از این قرار است:

۱. دابة الارض از پدیده های آخرالزمان (اشراط الساعة) است.

۲. با مردم سخن می گوید.

۳. هنگامی که وعده خداوند فرا می رسد، پدیدار می شود.

۴. زمان تحقق وعده، زمانی است که مردم به آیات الهی؛ اعم از آیات آفاقی و انفسی ایمان نمی آورند.

۶. وجوه افتراق تفاسیر «روض الجنان و روح الجنان» و «الکشاف»

با بررسی تفاسیر «روض الجنان و روح الجنان» و «الکشاف» می توان به این نتیجه

رسید که این تفاسیر در مورد بیان مصداق «دابة الارض» با هم اختلاف نظرهایی دارند. این دو تفسیر در این که «دابة الارض» در آخرالزمان در مکه ظاهر می شود و از نشانه های قیامت است؛ اتفاق نظر دارند. اما در ماهیت و مصداق آن اختلاف نظر دارند. زمخشری می کوشد با استفاده از روایات اهل سنت؛ حیوان عظیم الجثه و عجیب و غریب را به عنوان مصداق دابة الارض معرفی کند. اما ابوالفتوح رازی بدون هیچ سندی مصداق دابة الارض را حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می کند. اختلاف میان این دو تفسیر به این دلیل است که درجه اعتبار و وثوق روایات تفسیری که آن دو مفسر استفاده نموده اند متفاوت است، یعنی مفسرین برخی را پذیرفته و آورده اند ولی برخی دیگر از روایات را نپذیرفته و نیاورده اند.

نتیجه گیری

سوره نمل که آیه مورد بحث در آن قرار دارد بیشتر بر مسائل اعتقادی و نشانه های خداوند در عالم آفرینش دلالت دارد. این سوره همچنین بخش قابل ملاحظه ای از سرگذشت زندگی پنج پیامبر بزرگ الهی و مبارزات آنها با اقوام شان را بیان می کند. در این سوره چندین داستان از جمله داستان "حضرت سلیمان" و "ملکه سبا" و داستان هدهد و مورچه ها ذکر شده است. مبنای نام گذاری این سوره به نام سوره نمل؛ داستان مورچه هاست.

واژه «دابه» چهارده بار در قرآن کریم ذکر شده است و واژه «دابة الارض» فقط دوبار در قرآن آمده است؛ یک بار در سوره «سبا» به معنای «موریانه» آمده است که هیچ اختلافی در معنا و مصداق آن نیست. بار دوم در سوره نمل آمده است که مصداق و مفاهیم مختلفی برای آن ذکر شده است.

دابة الارض در لغت به معنای موریانه و یا جانوری عظیم الجثه است که در آخرالزمان پدید می آید و به عنوان نشانه ای برای نزدیکی قیامت است و در اصطلاح، موجودی ناشناخته است که از زمین خارج شده و کافر و مؤمن را از هم جدا می کند. این موجود از نشانه های قیامت دانسته شده است.

با بررسی تفسیر این آیه در دو کتاب «روض الجنان و روح الجنان» و «الکشاف» نتایج زیر به دست آمد:

- هر دو مفسر از روش روایی در خصوص تبیین این آیه استفاده نموده‌اند.
 - هر دو مفسر مفهوم آیه را دارای نوعی اغلاق و پیچیدگی می‌دانند و در تفسیر این آیه از روایات فراوان و بسیار زیادی بهره برده‌اند که مصداق "دابة الارض" را به موجودی عجیب و غریب یا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر می‌کنند.
 زمخشری در تفسیر کشاف با استفاده از روایات؛ دابة الارض را موجودی می‌داند که دارای چهار پا و دو بال است و دارای مو و پشم است و از او به عنوان جساسه یاد می‌کند. ابوالفتوح رازی؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مصداق و نمونه «دابه» معرفی می‌کند.
 اگرچه این دو مفسر در مورد چیستی «دابة الارض»، اختلاف زیادی دارند؛ اما در نکات ذیل اتفاق نظر دارند:

- الف) «دابة الارض» در آخرالزمان خروج می‌کند.
 ب) خروج «دابة الارض» از نشانه‌های قیامت است.
 ج) «دابة الارض» را موجودی جاندار و جنبنده‌ای غیرعادی از غیر جنس انسان می‌دانند، از این رو برای آن، مصادیق و صفات متعددی بیان کرده‌اند.
 د) محل خروج او مسجدالحرام، کوه صفا و... است.

منابع

قرآن کریم

۴۲. اصفهانی، راغب (۱۳۸۶ش)، *مفردات الفاظ القرآن*، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، تهران: نشر سبحان، اول.

۴۳. خزاعی نیشابوری، حسین بن علی بن محمد بن احمد (۱۳۷۴ش)، *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابوالفتوح رازی)*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۴۴. زاهدی فر، سیفعلی؛ رضایی کنمویی، علی؛ الهیاری نژاد، مریم (۱۳۹۴ش)، «بررسی و نقد روایات اهل سنت درباره دابة الارض»، *فصل نامه مشرق موعود*، شماره ۳۳.

۴۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، بیروت:

دارالكتاب العربی، سوم.

۴۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.

۴۷. نقی زاده، حسن؛ موسوی نیا، سعیده سادات (۱۳۸۸ش)، «بررسی مصداق "دابة

الارض" در روایات فریقین»، *فصل نامه علوم حدیث*، شماره ۵۸.

۴۸. نیری، عصمت؛ بارانی، ابوالحسن؛ دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۴ش)، «تفسیر

تطبیقی دابة الارض در آیه ۸۲ سورة نمل و ارتباط آن با رجعت»، *فصل نامه مطالعات تفسیری*،

شماره ۲۳.